

امامت در اندیشه فاطمی

امام و اندیشه امامت در مکتب اهل بیت علیهم السلام دارای اهمیت فراوان می باشد. از آنجائی که امام جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و اقدام به اجرای تمامی شئون آن حضرت می کند، منصوب از طرف خداوند متعال بوده و دارا بودن قوه عصمت از ضروریات عقلی در این وادی است.

امام رضا سلام الله علیه در توضیح جایگاه ویژه ی امامت فرمودند:

إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَنْزِلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ إِرْثُ الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَ خِلَافَةُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ مَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مِيرَاثُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَ فَرْعُهُ السَّامِي.

الكليني الرازي، محمد بن يعقوب بن إسحاق (المتوفى ٣٢٩ ق)، الأصول من الكافي، ج ١، ص ٢٠٠، صححه وعلق عليه

علي أكبر الغفاري، ناشر: دار الكتب الاسلامية ، تهران، الطبعة الثالثة لإ ١٣٨٨ هـ.

امامت همان جایگاه انبیاء و ارث اوصیاء است. امامت خلافت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و مقام امیر المؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است. امامت اختیار دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. امامت ریشه نامدار اسلام و شاخه بلند آن است.

متکلمان شیعه نیز به این مساله اشاره و تصریح دارند که امامت مقامی اصلی در امور دینی می باشد.

برای مثال سید مرتضی از متکلمان متقدم شیعی در این باب می نویسد:

الإمامة : ریاسة عامة في الدين بالأصالة لا بالنيابة عن من هو في دار التكليف.

المرتضى علم الهدى، علي بن الحسين بن موسى (متوفى ٤٣٦هـ)، رسائل المرتضى، ج ٢، ص ٢٦٤، تحقيق: تقديم:

السيد أحمد الحسيني / إعداد: السيد مهدي الرجائي، ناشر: دار القرآن الكريم - قم، ١٤٠٥هـ.

امامت: رياست عمومي در دين آن هم به نحو نيابت از كسي كه در دار التكاليف [دنيا] است.

سيد مرتضي همچنين در «الشافى» امور امامت را در حيطه دين و دنيا بر مي شمارد:

الإمامة رئاسة عامة في أمور الدنيا والدين ، وقد أجمع المسلمون على وجوبها.

الشرىف المرتضى، علي بن الحسين الموسوي (المتوفى ٤٣٦هـ)، الشافى فى الإمامة ، ج ١، ص ٥، تحقيق و تعليق:

السيد الحسينى الخطيب، ناشر: مؤسسة إسماعيليان - قم، چاپ: الثانية، سال چاپ ١٤١٠هـ.

امامت رياست عمومي در امور دين و دنيا بوده كه مسلمانان بر وجوب آن اجماع دارند.

مرحوم علامه حلي، از متكلمان مشهور امامي قرتين هفتم و هشتم نيز مي نويسد:

الإمام هو الإنسان الذي له الرئاسة العامة في أمور الدين والدنيا بالأصالة في دار التكاليف.

الحلي، الحسن بن يوسف المطهر (المتوفى ٧٣٦هـ)، الألفين فى إمامة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام،

ص ٢٢، ناشر : مكتبة الألفين - الكويت، سال چاپ : ١٤٠٥ - ١٩٨٥م.

امام انساني است كه رياست عمومي در دين و دنيا آن هم به نحو اصلي در دار التكاليف از آن

اوست.

مرحوم قاضي نور الله شوشترى نيز امور امامت را در حيطه دين و دنيا دانسته و در اين مورد

مي نويسد:

... مرتبة الإمامة فإنها رياسة عامة بحسب الدين والدنيا ومن البين أنها لا تحصل لشخص إلا بعد أن

يكون آمناً من الزيادة والنقصان في أحكام الشرع وإلا لاختلفت تلك الرياسة العامة وانتفت فائدة الإمامة كما لا

يخفى على من له طبع سليم وعقل مستقيم.

التستري، السيد القاضي نور الله التستري الشهيد (المتوفى ١٠١٩ هـ)، الصوامر المهركة فى جواب الصواعق المحرقة،

ص ٥١، تصحيح: السيد جلال الدين المحدث، ناشر: چاپخانه نهضت، تهران ١٣٦٧ش.

مرتبه امامت همان ریاست عمومی بر حسب دین و دنیا است و روشن است که این مرتبه برای فردی حاصل نمی شود مگر آنکه از کم و زیادی در احکام شرع در امان باشد و الا اگر چنین نباشد، این ریاست عمومی مختل می شود و فایده امامت از بین می رود چنانچه بر کسی که سرشتی سالم و عقلی صحیح داشته باشد، پوشیده نیست.

اندیشمندان اهل سنت نیز با شیعه هم نظر بوده و جایگاه امام را چنین معرفی کرده اند:

الإمام: هو الذي له الرياسة العامة في الدين والدنيا جميعا.

الجرجاني، علي بن محمد بن علي (متوفى ٨١٦ ق)، التعريفات، ص٥٣، تحقيق: إبراهيم الأبياري دار النشر: دار

الكتاب العربي - بيروت - الطبعة: الأولى، ١٤٠٥هـ.

امام همان کسی است دارای ریاست عمومی در امور دین و دنیا را با هم دارد.

از آنجائی که وظیفه امام هدایت بشر بوده و رسیدن انسان ها به سر منزل مقصود در اهداف عالی امام ترسیم شده است، از آغاز آفرینش انسان نیز وجود امام بر روی زمین لازم و ضروری تلقی شده است. در روایات متعددی در منابع امامیه به این قضیه اشاره شده است. ابو حمزه ثمالی از خواص امام باقر علیه السلام از آن حضرت چنین نقل می کند:

وَاللّٰهُ مَا تَرَكَ اللّٰهُ اَرْضًا مُّندُ قَبْضِ اَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِلَّا وَفِيهَا اِمَامٌ يُهْتَدٰى بِهٖ اِلَى اللّٰهِ وَ هُوَ حُجَّتُهُ عَلٰى عِبَادِهِ وَ لَا تَبْقٰى الْاَرْضُ بِغَيْرِ اِمَامٍ حُجَّةٍ لِلّٰهِ عَلٰى عِبَادِهِ.

الكليني الرازي، محمد بن يعقوب بن إسحاق (المتوفى ٣٢٩ ق)، الأصول من الكافي، ج١، ص١٧٨-١٧٩، صححه وعلق

عليه علي أكبر الغفاري، ناشر: دار الكتب الاسلامية، تهران، الطبعة الثالثة، ١٣٨٨هـ.

به خدا قسم خداوند از هنگامی که آدم علیه را قبض روح کرد، زمین را خالی نگذاشت مگر آنکه در روی آن امامی هدایت گر به سوی خداست و او همان حجت خدا بر بندگانش است و زمین را بدون امامی که حجت خدا بر بندگانش باشد، باقی نمی گذارد.

در این نوشته کوشش‌های در اصل و چیستی و فواید امام بر اساس فرامین حضرت زهرا سلام
الله علیها صورت پذیرفته و اهمیت این مساله در کلام آن بانوی یگانه مطرح خواهد شد.

۱. فلسفه اصل امامت در کلام حضرت زهرا سلام الله علیها

اصل وجود امام و خلیفه پروردگار بر روی کره زمین از الطاف خداوند متعال بوده و موجبات اتحاد
و یکپارچگی امت اسلام در زیر پرچم دعوت گری واحد را به وجود می آورد.

صدیقه کبری، حضرت زهرا سلام الله علیها در سخنی قابل توجه، هدف از برپایی و فلسفه
وجودی امام را وسیله ای برای جلوگیری از تفرقه معرفی کردند:

وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا لَمَّا لِلْفُرْقَةِ.

الطبري، ابی جعفر محمد بن جریر بن رستم (متوفای قرن پنجم)، دلائل الامامة، ص ۱۱۳، تحقیق: قسم الدراسات
الإسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة، قم، چاپ: الأولى ۱۴۱۳هـ.

اطاعت از ما اهل بیت، موجب نظم دهی به ملت اسلام بوده و امامت ما، موجب جمع شدن
تفرقه می شود.

و در روایتی دیگر فرمودند:

وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ.

الطبرسي، أحمد بن علي بن أبي طالب (المتوفى ۵۴۸ق)، الإحتجاج على أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۳۴، تحقیق: تعليق
وملاحظات: السيد محمد باقر الخراسان، ناشر: دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، سال چاپ: ۱۳۸۶ - ۱۹۶۶ م.

اطاعت از ما اهل بیت، موجب نظم دهی به ملت اسلام بوده و امامت ما، وسیله ای برای
جلوگیری از تفرقه می باشد.

و این روایت دقیقاً مصداق عبارتی است که در زیارت شریفه جامعه کبیره که از یادگاری های
مسلم و صحیح امام هادی علیه السلام است، خطاب به اهل بیت علیهم السلام عرضه می داریم:

وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَ انْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ.

الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (المتوفى ٣٨١ق)، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج٢، ص٣٠٩، تحقيق،

تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ١٤٠٤ -

١٩٨٤م.

و به [برکت] ولایت شما کلمه [توحید] کمال یافته، و نعمت عظمت گرفته، [و پراکندگی] به

یکپارچگی تبدیل شده است.

این تفکر در جامعه آن روز وجود داشته است و حتی صحابه نیز اتحاد جامعه آن روز را جمع

شدن بر گرد خلیفه به حق و جانشین واقعی رسول خدا صلی الله علیه و آله می دانستند.

سلمان فارسی پس از آنکه ابوبکر ادعای خلافت کرد، ضمن اعتراض بر او و نصیحت جریان

حاکم، چنین گفت:

ثُمَّ قَامَ سَلْمَانٌ فَقَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ اتَّقِ اللَّهَ وَ قُمْ عَنْ هَذَا الْمَجْلِسِ وَ دَعُهُ لِأَهْلِهِ يَأْكُلُوا بِهِ رَعْدًا إِلَى يَوْمِ

الْقِيَامَةِ لَا يَخْتَلِفُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ سَيِّفَانٍ فَلَمْ يُجِبْهُ أَبُو بَكْرٍ فَأَعَادَ سَلْمَانٌ [فَقَالَ] مِثْلَهَا فَانْتَهَرَهُ عُمَرُ وَ قَالَ مَا

لَكَ وَ لِهَذَا الْأَمْرِ وَ مَا يُدْخِلُكَ فِيمَا هَاهُنَا فَقَالَ مَهَلًا يَا عُمَرُ قُمْ يَا أَبَا بَكْرٍ عَنْ هَذَا الْمَجْلِسِ وَ دَعُهُ لِأَهْلِهِ يَأْكُلُوا

بِهِ وَ اللَّهُ خُضْرًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ إِنْ أَبِيئْتُمْ لَتَحُلُبَّنَّ بِهِ دَمًا وَ لَيَطْمَعَنَّ فِيهِ الطُّلَقَاءُ وَ الطُّرْدَاءُ وَ الْمُنَافِقُونَ.

الهلالی، سلیم بن قیس (المتوفى ٨٠هـ)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ص٣٨٨، تحقیق محمد باقر الأنصاری

الزنجانی، ناشر: دلیل ما، چاپخانه: نگارش، چاپ: الأولى، سال چاپ: ١٤٢٢ - ١٣٨٠ ش.

سپس سلمان ایستاد و گفت: ای ابوبکر از خدا بترس، از این جایگاه بر خیز و آن را به اهلش

واگذار کن که تا روز قیامت به گوارائی از آن استفاده کنند، و دو شمشیر بر سر این امت اختلاف

نکنند. [حکایت از ایجاد تفرقه به هنگام به خلافت رسیدن ابوبکر]

ابو بکر به او پاسخی نداد. سلمان دوباره همان سخن را تکرار کرد. عمر او را کنار زد و گفت: تو

را با این مسأله چکار است؟ و چرا در مسأله ای که در اینجا جریان دارد خود را داخل می کنی؟ سلمان

گفت: ای عمر آرام بگیر! ای ابو بکر، از این جایی که نشسته‌ای برخیز و آن را برای اهلش واگذار تا بخدا قسم به خوشی تا روز قیامت از آن استفاده کنند. و اگر قبول نکنید از همین طریق خون خواهید دوشید و آزادشدگان و طردشدگان و منافقین در خلافت طمع خواهند کرد.

همچنین با مراجعه به منابع حدیثی شیعی، روایات متعددی از حضرت زهرا سلام الله علیها نقل شده است که امامت را محور اتحاد دانسته اند.

مرحوم خزاز قمی روایتی را از محمود بن لبید نقل می کند که وی ضمن سوال از جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا سلام الله علیها ضمن اشاره به جریان غدیر و اعلام وصایت امیر المؤمنین حضرت علی بن ابی طالب سلام الله علیهما، قسم یاد کردند که از پدرشان شنیدند که امام و خلیفه بعد از ایشان امیرالمؤمنین بوده و سپس نه فرزند از نسل امام حسین علیه السلام که ائمه نیکان بوده و اطاعت آنان موجب هدایت و مخالفت با آنان اختلاف تا روز قیامت را در پیش خواهد داشت:

عن محمود بن لبید قال : لما قبض رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كانت فاطمة تأتي قبور الشهداء وتأتي قبر حمزة وتبكي هناك ، فلما كان في بعض الأيام أتيت قبر حمزة رضي الله عنه فوجدتها صلوات الله عليها تبكي هناك، فأمهلتها حتى سكت، فأتيتها وسلمت عليها وقلت: يا سيدة النسوان قد والله قطعت أنياب قلبي من بكائك . فقالت: يا ابا عمر يحق لي البكاء، ولقد أصبت بخير الآباء رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، واشوقاه إلى رسول الله، ثم أنشأت عليها السلام تقول: إذا مات يوما ميت قل ذكره * وذكر أبي مات والله أكثر.

قلت: يا سيدتي إنني سائلك عن مسألة تلجلج في صدري. قالت: سل. قلت: هل نص رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قبل وفاته على علي بالإمامة؟ قالت: وأعجابه أنسيتم يوم غدیر خم. قلت: قد كان ذلك، ولكن أخبريني بما أسر إليك. قالت: أشهد الله تعالى لقد سمعته يقول: علي خير من أخلفه

فيكم، وهو الإمام والخليفة بعدي، وسبطي وتسعة من صلب الحسين أئمة أبرار، لئن اتبعتموهم
وجدتموهم هادين مهدين، ولئن خالفتموهم ليكون الاختلاف فيكم إلى يوم القيامة.

محمود بن لبید می گوید: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، حضرت
فاطمه سلام الله علیها دائماً به نزد قبور شهدا و قبر حمزه علیه السلام می آمدند و در آنجا گریه می
کردند. روزی به نزد قبر حمزه آمدم و دیدم آن حضرت در حال گریه هستند. منتظر ماندم تا [گریه
ایشان قطع شد و] ساکت شدند. نزد ایشان آمدم و سلام کردم و عرض کردم: ای سرور زنان، به خدا
قسم از گریه شما رشته های قلبم پاره شد. آن حضرت فرمود: ای ابا عمر حق من است که گریه
کنم، چرا که به [فراق] بهترین پدر [یعنی] رسول خدا صلی الله علیه و آله مبتلی شدم و مشتاق
رسول خدا هستم. سپس این شعر را خواندند:

هر که از دنیا برود، یاد او کمتر می شود اما یاد پدرم به خدا قسم بیشتر شده است.

محمود می گوید خدمت ایشان عرض کردم: ای بانوی من، از شما در مورد مسأله ای که در
سینه ام سنگینی می کند سوالی دارم. فرمودند: بگو. گفتم: آیا رسول خدا قبل از وفاتش بر امامت
حضرت علی علیه السلام تصریح کردند؟ آن حضرت فرمودند: عجیب است، آیا روز غدیر خم را فراموش
کرده اید؟ عرض کردم: چنین است [و غدیر را فراموش نکردیم] اما از سرّی که در نزد شماست به من
خبر دهید. حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: خداوند را شاهد می گیرم که شنیدم [پیامبر] می
فرمود: حضرت علی علیه السلام بهترین فردی است که برای شما به جانشینی نهادم، او امام و
جانشین بعد از من است، دو نوه ام [امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما] و نه فرزند از نسل
امام حسین علیه السلام ائمه نیکان بوده که اگر از آنان تبعیت و اطاعت کنید، آنان را هدایت کننده و
هدایت شده [به حق] می یابید ولی اگر با آنان مخالفت کنید، تا [روز] قیامت اختلاف در بین شما
خواهد بود.

و آن حضرت در ادامه همان روایت جایگاه امام را تبیین بیشتری کرده و فرمودند:

مثل الإمام مثل الكعبة إذ تؤتى ولا يأتي ... ثم قالت : أما والله لو تركوا الحق على أهله واتبعوا عترة نبيه لما اختلف في الله تعالى اثنان ، ولورثها سلف عن سلف وخلف بعد خلف حتى يقوم قائمنا التاسع من ولد الحسين ، ولكن قدموا من آخره وأخروا من قدمه الله.

الخزاز القمي الرازي، علي بن محمد بن علي (متوفاي ٤٠٠ ق)، كفاية الأثر في النص على الأئمة الاثني عشر، ص ١٩٨-

١٩٩، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي، ناشر: انتشارات - قم، ١٤٠١هـ.

مثال امام، مانند كعبه است که باید به سوي آن بيايند و نه آنکه او بيايد [چنان چه همه به نزد كعبه مي روند] ... سپس آن حضرت فرمودند: به خدا قسم که اگر حق را به [نفع] اهلش ترک مي کردند و از عترت پیامبرش پیروي مي کردند، حتي دو نفر در [امر] خدا اختلاف نمي کردند و اين را گذشته از گذشتگان و آینده از آیندگان به ارث مي بردند تا اینکه قائم ما که نهمين فرزند امام حسين عليه السلام است قيام کند، ولي آنکه آخري بود را مقدم کردند و آنکه خداوند او را مقدم کرده بود را به تأخير انداختند [و اين چنين بناي اختلاف را نهادند].

اين چنين آن حضرت در تبیین فلسفه وجودي امامت استدلال کردند و بر همگان ابهام زدائي کردند.

٢. تعيين امامان در کلام حضرت زهرا سلام الله عليها

يکي ديگر از روشن گري هاي حضرت زهرا سلام الله عليها، تعيين ائمه توسط خداوند متعال است. در سخنان و سيره دفاعي آن حضرت اين مساله روشن بوده و قابل انکار نيست. براي مثال مرحوم خزاز قمي رحمه الله روايتي را از قول سهل بن سعيد انصاري و او از حضرت فاطمه زهرا عليها السلام چنين بيان مي کند:

عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْأُئِمَّةِ فَقَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَ أَنْتَ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَإِذَا مَضَيْتَ قَابَتُكَ الْحَسَنُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ قَابَتُكَ الْحُسَيْنُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَإِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ قَابَتُكَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ قَابَتُهُ مُحَمَّدٌ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ قَابَتُهُ جَعْفَرٌ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَإِذَا مَضَى جَعْفَرٌ قَابَتُهُ مُوسَى أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَإِذَا مَضَى مُوسَى قَابَتُهُ عَلِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ قَابَتُهُ مُحَمَّدٌ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ قَابَتُهُ عَلِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ قَابَتُهُ الْحَسَنُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ قَابَتُهُ عَلِيُّ قَابَتُهُ الْحُسَيْنُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَإِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ قَابَتُهُ الْحَسَنُ فَالْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا فَهُمْ أَيْمَةُ الْحَقِّ وَ أَلْسِنَةُ الصِّدْقِ مَنصُورٌ مَن نَصَرَهُمْ مَخْذُوكٌ مَن خَدَّاهُمْ.

الخزاز القمي الرازي، علي بن محمد بن علي (متوفاي ٤٠٠ ق)، كفاية الأثر في النص على الأئمة الاثني عشر، ص ١٩٥-

١٩٦، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي، ناشر: انتشارات - قم، ١٤٠١ هـ

سهل مي گوید از حضرت فاطمه سلام الله عليها دختر رسول خدا صلي الله عليه و آله درباره ائمه سوال کردم، پاسخ داد: رسول خدا دائما به حضرت علي عليه السلام مي فرمود: يا علي، تو امام و جانشين بعد از من هستي و نسبت به مومنان از خودشان سزاوار تري، هنگامي كه [از دنيا] رفتي، فرزندان حسن نسبت به مومنان از خودشان سزاوار تر است و هنگامي كه حسن [از دنيا] رفت، فرزندان حسين نسبت به مومنان از خودشان سزاوار تر است و هنگامي كه حسين [از دنيا] رفت، فرزندان علي بن الحسين نسبت به مومنان از خودشان سزاوار تر است و هنگامي كه علي [بن الحسين از دنيا] رفت، فرزندش محمد نسبت به مومنان از خودشان سزاوار تر است و هنگامي كه محمد [بن علي از دنيا] رفت، فرزندش جعفر نسبت به مومنان از خودشان سزاوار تر است و هنگامي

که جعفر [بن محمد از دنیا] رفت، فرزندش موسی نسبت به مومنان از خودشان سزاوار تر است و هنگامی که موسی [بن جعفر از دنیا] رفت، فرزندش علی نسبت به مومنان از خودشان سزاوار تر است و هنگامی که علی [بن موسی از دنیا] رفت، فرزندش محمد نسبت به مومنان از خودشان سزاوار تر است و هنگامی که محمد [بن علی از دنیا] رفت، فرزندش علی نسبت به مومنان از خودشان سزاوار تر است و هنگامی که علی [بن محمد از دنیا] رفت، فرزندش حسن نسبت به مومنان از خودشان سزاوار تر است و هنگامی که حسن [بن علی از دنیا] رفت، فرزندش قائم [ملقب به] مهدی نسبت به مومنان از خودشان سزاوار تر است که خداوند به وسیله او شرق و غرب سرزمین های اسلامی را فتح می کند، آنان امامان بر حق بوده و زبان راستگویی می باشند، کسی که آنان را یاری کند، یاری می شود و کسی که به یاری آنان مبادرت نکند، یاری نمی شود.

همچنین مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی با سند معتبر حدیث مفصلي تحت عنوان «حدیث لوح» بیان می کند. با دقت در عبارات مهمی که در این حدیث شریف نقل شده است، حضرت زهرا سلام الله علیها تصریح کرده اند که انتخاب امام و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله توسط خداوند متعال انجام می شود که این حدیث نیز ضرورت نصب جانشین آن حضرت را بیان می کند.

جهت اطلاع بیشتر رک: **الكافي، محمد بن يعقوب الكليني، ج ۱، ص ۵۲۷-۵۲۸، ح ۳.**

۲. امامت حضرت علي عليه السلام در کلام حضرت زهرا سلام الله علیها

دسته ای از روایات منقوله از حضرت زهرا سلام الله علیها خاص تر بوده و مرتبط با اصل امامت و خلافت حضرت علي عليه السلام می باشد. آن حضرت در واقع این سبک برخورد مردم را ریشه یابی کرده و صراحتاً تصریح کردند که کینه های به جا مانده و ترس از حضرت علي عليه السلام باعث شد که غصب خلافت از ایشان کنند و مخالفت خود را آغاز کنند:

وَمَا نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ نَقَمُوا وَاللَّهُ مِنْهُ نَكِيرٌ سَيِّفِهِ وَشِدَّةَ وَطْئِهِ وَنَكَالَ وَفُوعَتِهِ وَتَنَمُّرَهُ فِي دَاتِ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاللَّهُ لَوْ تَكَافُوا عَنْ زِمَامٍ تَبَدَّهٗ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَأَعْتَلَقَهُ وَلَسَارَ بِهِمْ سَيْرًا
سُجْحًا.

ابن عقدة الكوفي، أحمد ابن محمد بن سعيد بن عبد الرحمن بن إبراهيم المعروف بابن عقدة الكوفي (متوفى ۲۳۳هـ)،
فضائل أمير المؤمنين (ع)، ص ۶۲، تحقيق: تجميع عبد الرزاق محمد حسين فيض الدين.

این چه انتقامی است که از ابی الحسن گرفتند؟ به خدا قسم انتقام امر بمعروف و نهی از
منکر شمشیر او، بی‌باکی از مرگ، شدت جنگیدن و غضب نمودن برای خدا. به خدا قسم از یاری
کردن امری که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او سپرد، دست کشیدند اگر آن را می گرفت، آنان
را با آرامش حرکت می داد.

از این رو حضرت زهرا سلام الله علیها با اتخاذ روشی روشن تر، به تفصیل، ادله امامت آن
حضرت را بیان و مرزهای خلافت و امامت را برای همگان پرده برداری کردند تا جای شک و شبهه ای
باقی نماند.

۱. حدیث غدیر

یکی از احادیثی که مورد استدلال حضرت زهرا سلام الله علیها قرار گرفته و به جریان امامت و
خلافت اشاره کرده اند، حدیث غدیر است.

پس از حمله طرفداران حاکمیت به خانه حضرت زهرا سلام الله علیها، آن حضرت به پشت درب
آمدند و ضمن مخاطب قرار دادن آنان، به جریان غدیر نیز اشاره کردند و بر بطلان جریان فعلی خط
امتدادی کشیدند:

و خَرَجْتُ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمْ فَوَقَفَتْ خَلْفَ الْبَابِ ثُمَّ قَالَتْ لَا عَهْدَ لِي
بِقَوْمٍ أَسْوَأَ مَحْضَرًا مِنْكُمْ تَرَكْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَنَازَةً بَيْنَ أَيْدِينَا وَ قَطَعْتُمْ أَمْرَكُمْ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ

لَمْ تُؤْمَرُوا وَ لَمْ تَرَوْا لَنَا حَقًّا كَاتِبًا لَمْ تَعْلَمُوا مَا قَالَ يَوْمَ غَدِيرِ حُجِّمٍ وَ اللَّهُ لَقَدْ عَقَدَ لَهُ يَوْمَئِذٍ الْوَلَاءَ لِيَقْطَعَ مِنْكُمْ بِذَلِكَ مِنْهَا الرَّجَاءَ وَ لَكِنَّكُمْ قَطَعْتُمُ الْأَسْبَابَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ نَبِيِّكُمْ.

الطبرسي، أحمد بن علي بن أبي طالب (المتوفى ٥٤٨هـ ق)، الإحتجاج على أهل اللجاج، ص ١٠٥، تحقيق : تعليق

وملاحظات: السيد محمد باقر الخراسان، ناشر : دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، سال چاپ : ١٣٨٦ - ١٩٦٦ م.

سپس حضرت فاطمه سلام الله عليها دختر رسول خدا صلي الله عليه و آله به پشت درب آمده، ایستاد و فرمود: در تمام عمر خود هیچ قومی را نمی‌شناسم که بدتر از شما باشند، جنازه رسول خدا را نزد ما گذاشته و سرگرم کار خود [برای بدست آوردن خلافت] شدید، نه مشورتی با ما نمودید و نه کمترین حقی برای ما قائل شدید، گویا شما هیچ اطلاعی از فرمایش پیامبر در روز غدیر خم نداشتید، بخدا سوگند در همان روز آنچنان امر ولایت را محکم ساخت که جای هر طمع و امیدی برای شما باقی نگذاشت، ولی شما آن را رعایت نکرده و هر رابطه‌ای را با پیامبرتان قطع نمودید.

همچنین شیخ صدوق رضوان الله تعالی علیه نیز استدلال به غدیر را از جمله مهم ترین احتجاجات حضرت زهرا عليها السلام بر شمرده و اشاره دارد که این حدیث، در هنگام مخاطب آن حضرت با انصار مورد استدلال قرار گرفته است:

قال مصنف هذا الكتاب رضي الله عنه: إن يوم غدیر خم لم يدع لاحد عذرا هكذا قالت سيدة النساء فاطمة عليها السلام لما منعت فديك وخاطبت الأنصار ، فقالوا: يا بنت محمد لو سمعنا هذا الكلام منك قبل بيعتنا لأبي بكر ما عدلنا بعلي أحدا، فقالت: وهل ترك أبي يوم غدیر خم لاحد عذرا.

الصدوق، محمد بن علي بن الحسين (المتوفى ٣٨١هـ ق)، الخصال، ج ١، ص ١٧٣، تحقيق، تصحيح وتعليق: علي أكبر

الغفاري، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال چاپ ١٤٠٣ - ١٣٦٢ ش.

مصنف این کتاب می‌گوید: [پیامبر] روز غدیر خم برای هیچ کس جای عذری باقی نگذاشت و سرور زنان حضرت فاطمه عليها السلام وقتی از فديك منع شد، همین مطلب را به انصار بازگو کرد و آنها گفتند: ای دختر محمد، اگر این سخنان را پیش از بیعت کردن با ابو بكر از تو می‌شنیدیم از علی

به هیچ کسی رو نمی‌کردیم، آن حضرت فرمود: آیا پدرم در روز غدیر خم بر کسی جای عذری باقی گذاشت؟

در فصل اول این نوشته نیز اشاره شد که حضرت زهرا سلام الله علیها به غدیر خم استدلال کردند و فرمودند: واعجباه أنسیتم یوم غدیر خم.

۲. حدیث ثقلین

حدیث ثقلین یکی از مهم ترین احادیثی است که در اثبات امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام بدان استدلال می شود. افضلیت اهل بیت علیهم السلام و امامت امیرالمؤمنین سلام الله علیه از جمله پیام های این حدیث شریف می باشد.

قندوزی حنفی از استوانه های علمی اهل تسنن روایتی را نقل می کند که حضرت زهرا سلام الله علیها حدیث ثقلین را بیان نموده اند:

وأخرج ابن عقدة: من طریق عروة بن خارحة عن فاطمة الزهراء (رضي الله عنها) قالت: سمعت أبي صلى الله عليه واله وسلم في مرضه الذي قبض فيه يقول، وقد امتلات الحجرة من أصحابه: أيها الناس يوشك أن أقبض قبضا سريعا وقد قدمت إليكم القول معذرة اليكم، ألا وإني مخلف فيكم كتاب ربي (عزوجل) وعترتي أهل بيتي، ثم أخذ بيد علي فقال: هذا علي مع القرآن والقرآن مع علي لا يفترقان حتى يرثي علي الحوض فاسألکم ما تخلفوني فیهما.

القندوزي الحنفي، سليمان بن إبراهيم (متوفى ۱۲۹۴هـ) ينابيع المودة لذوي القربى، ج ۱، ص ۱۲۵، تحقيق: سيد علي جمال أشرف الحسيني، ناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر. قم، الطبعة: الأولى ۱۴۱۶هـ .

ابن عقده از عروة بن خارجه و او از [حضرت] فاطمه زهرا [سلام الله علیها] نقل می کند که فرمود: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مریضی که منجر به وفات ایشان شد، در حالی که خانه از صحابه پر بود فرمودند: ای مردم، نزدیک است که به زودی قبض روح شوم و سخنی

به شما مي گويم که عذر من باشد و آنکه بين شما کتاب پروردگارم عزوجل و عترتم که همان اهل بيتم هستند را به جا مي گذارم، سپس دست [حضرت] علي [عليه السلام] را گرفت و فرمود: اين علي با قرآن است و قرآن با علي است تا اينکه هر دو بر من در حوض کوثر وارد شوند و از شما سوال مي کنم که از اين دو چگونه تخلف کرديد.

روايات ديگر همچون: حديث منزلت، حديث اثني عشر خليفه و... نیز از حضرت زهرا سلام الله عليها نقل شده است که به همين مقدار بسنده مي شود.

نتيجه:

اهميت مقام امامت و جاگاه ويژه امام، از مهم ترين واژگاني است که در کلام حضرت زهرا سلام الله عليها مورد بررسي قرار گرفت و روشن شد که جانشيني رسول خدا صلي الله عليه و آله از اهميت ويژه اي برخوردار است که تنها يادگار رسول خدا در مواضع متعددي بدان اشاره و حتي هنگامی که مهاجمان به خانه ايشان حمله کردند، از استدلال به مساله امامت دست نکشيدند. همچنين بيان شد که در کلام نوراني صديقه شهيده سلام الله عليها، اهل بيت عليهم السلام و امامت آن انوار مقدس موجب وحدت جهان اسلام شده و تفرقه به سبب اهل بيت صلوات الله عليهم اجمعين از بين خواهد رفت.

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات

موسسه تحقيقاتي حضرت ولي عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف